

افت

تحصیلی،

یک زنگ

خطر!!!

اشاره:

از آنجا که بسیاری از پدران و مادران محترم و اولیای گرامی مدارس همواره از دست‌اندرکاران مجله پیوند خواسته‌اند که در زمینه افت تحصیلی دانش‌آموزان مقالات بیشتری درج شود و ابعاد گوناگون این مسأله مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، مقاله حاضر این مشکل روانی - اجتماعی را از دیدگاه روان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد. امید است که مورد استفاده همگان قرار گیرد.

افت تحصیلی چیست؟

معمولاً هنگامی از اصطلاح افت تحصیلی استفاده می‌شود که عملکرد درسی دانش‌آموز به‌رغم هوش‌به‌طبیعی، به‌طور مستمر و در زمینه اکثر درسها یا دروس اساسی (مانند ریاضیات، علوم و زبان) در حال کاهش باشد و این امر ناشی از بیماری جسمی یا روانی شناخته شده‌ای نباشد. افت تحصیلی باید از اختلالات خاص یادگیری در یک درس تفکیک شود، اگرچه اختلالات خاص یادگیری نیز چنانچه درمان نشوند می‌توانند منجر به افت تحصیلی شوند. این مشکل در آخرین طبقه‌بندی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۱۹۹۴) تحت عنوان اختلال یادگیری نامیده شده است. همان‌گونه که پیشرفت تحصیلی جنبه نسبی دارد (راتر، ۱۹۷۵)، افت تحصیلی نیز پدیده‌ای نسبی است و می‌تواند از خفیف تا شدید در نوسان باشد. نوسانهای موقت و خفیف طبیعی هستند، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، افت

دکتر مهرداد کلانتری



شدید و دائمی است.

عوامل مؤثر در افت تحصیلی

افت تحصیلی دارای ابعاد متعدد زیستی، روانی و اجتماعی است. در اینجا به منظور سهولت کار، این عوامل به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد، اگرچه معمولاً بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

عوامل مربوط به دانش آموز

افت تحصیلی می‌تواند به عواملی در درون خود دانش آموز مربوط شود. این عوامل عبارتند از مزاج یا سرشت، هوشبهر، نگرشها و طرز تفکر و مهارتها یا شیوه‌های مطالعه.

مزاج یا سرشت عبارت است از ویژگی‌هایی که از ابتدای تولد وجود دارند و در طول زمان تغییرات چندانی نمی‌کنند (راتر، ۱۹۸۲). کودکان را می‌توان از نظر مزاج به سه گروه: دشوار، متوسط و آسان طبقه‌بندی کرد. به نظر می‌رسد کودکان دشوار، یعنی آنان که از ابتدای تولد مزاج منفی از خود بروز می‌دهند یا اداره و کنترل آنها برای والدینشان دشوار است، بیشتر در معرض افت تحصیلی قرار دارند.

هنگام صحبت درباره افت تحصیلی همواره باید هوشبهر دانش آموز را براساس آزمون هوشی میزان شده در نظر گرفت. افت تحصیلی زمانی مطرح می‌شود که هوشبهر در حد طبیعی است (۹۰ یا بالاتر).

شروع افت تحصیلی در کشور ما معمولاً از کلاس چهارم دبستان به بعد است. در این مرحله سنی علاوه بر کار با والدین و مدرسه،

خود دانش آموز نیز باید مورد مشاوره و راهنمایی قرار گیرد. در اینجا نگرشها و طرز تفکر دانش آموز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

هنگام مصاحبه با دانش آموزانی که افت تحصیلی داشتند، مشاهده کردم که اکثر آنان علاقه‌مند به ادامه تحصیل هستند، اما در عین حال نسبت به وضع کنونی خود بی‌توجه، ناآگاه یا دچار سردرگمی می‌باشند.

افت تحصیلی با بی‌علاقگی نسبت به درس، رابطه نزدیکی دارد. ریشه‌های بی‌علاقگی نسبت به درس را می‌توان در کلاس اول دبستان یا حتی در سالهای قبل از دبستان جست‌وجو کرد. با وجود این دانش آموز ممکن است نداند چرا باید درس بخواند و اطلاعات درستی درباره دلیل درس خواندن و مطالعه به او داده نشده باشد. ممکن است دانش آموز احساس کند که درس خواندن برایش مفید نیست و می‌تواند به کار مفید دیگری بپردازد. ممکن است دانش آموز در حالت افسردگی به سر ببرد. دانش آموزان افسرده معمولاً علاقه به درس و مطالعه ندارند، انگیزه مطالعه را از دست می‌دهند و تداوم افسردگی منجر به افت تحصیلی در آنان می‌شود.

ممکن است دانش آموز شیوه‌های صحیح مطالعه را هرگز نیاموخته باشد و نداند چه موقع، کجا و چگونه باید مطالعه کند. والدین نیز ممکن است هرگز زمینه‌های مناسب مطالعه را برای او فراهم نکرده باشند و یا مهارتهای مطالعه را به او نیاموخته باشند. مثلاً دانش آموز یاد نگرفته است که پس از بازگشت از مدرسه باید مدتی استراحت کند، سپس مطالعه درسی خود را آغاز کند و پس از یک ساعت مطالعه، حداکثر نیم‌ساعت استراحت داشته باشد. اصل

از خانواده می شود و آنان را در معرض خطر مشکلات درسی و رفتاری قرار می دهد. جو نامطلوب خانوادگی فرزندان را از محیط خانواده فراری می دهد. ناهماهنگی پدر و مادر فرزندان را دچار سردرگمی می کند و آنان در مورد آینده خود از جمله درس و تحصیل دچار تردید می شوند و یا احساس می کنند که هیچ گاه زمینه مناسبی برای درس و مطالعه وجود ندارد. فقدان یا غیبت پدر می تواند با افت تحصیلی فرزندان (بویژه فرزندان پسر و بخصوص پسر ارشد خانواده)، ارتباط نزدیک داشته باشد. افت تحصیلی با فقدان نظارت والدین در خانواده یا نظارت معیوب والدین ارتباط دارد. دانش آموزانی که دچار افت تحصیلی می شوند از نصیحتها و پند و اندرزهای والدین و مربیان خود خسته می شوند و متأسفانه والدین و مربیان نیز گویا جز نصیحت های تکراری و خسته کننده (که معمولاً با تحقیر و توهین نیز همراه هستند)، هیچ راه مناسب دیگری را نمی دانند یا آزمایش نکرده اند. "پدری می گفت: هنگامی که همسرم به درس و مشق پسرم رسیدگی می کند، پسرم با دست راست می نویسد و با دست چپ مراقب است که هر لحظه در برابر کتک های مادر از خود دفاع کند." ادامه چنین وضعیتی در نهایت می تواند منجر به بی علاقهگی به درس و مدرسه و در نتیجه افت تحصیلی شود.

بنابر آنچه گذشت عوامل خطر افت تحصیلی که مربوط به خانواده هستند، عبارتند از: بیماری جسمی و روانی پدر و مادر، اختلافات خانوادگی، فقدان نظارت یا نظارت ناهماهنگ، ضعیف یا بدون ثبات والدین و شیوه های معیوب تربیتی.

"پریماک" به ما می گوید: دانش آموز ابتدا باید تکالیف درسی خود را انجام دهد و بعد به بازی و تفریح بپردازد (انکینسون و هیلگارد، ۱۹۸۳، ترجمه براهنی و همکاران). دانش آموزانی که مقدار زیادی از وقت خود را صرف بازی و تفریح می کنند ممکن است آمادگی خود را برای یادگیری از دست بدهند. دانش آموزانی که تا دیروقت به تماشای تلویزیون می پردازند و بی موقع به رختخواب می روند، ممکن است روز بعد آمادگی کافی برای یادگیری نداشته باشند.

بنابراین عوامل خطر افت تحصیلی که در ارتباط با خود دانش آموز هستند، عبارتند از: هوشبهر پایین تر از متوسط، مزاج دشوار، بی علاقهگی به درس و نداشتن مهارتهای لازم.

عوامل مربوط به خانواده

در درون خانواده، بیماری جسمی و روانی پدر و مادر، اختلافات و ناهماهنگی پدر و مادر، جو خانوادگی نامطلوب، فقدان نظارت یا نظارت ناهماهنگ و معیوب والدین می توانند با افت تحصیلی فرزندان ارتباط داشته باشند. بیماری جسمی و روانی پدر و مادر در صورت تداوم می تواند مانع نظارت صحیح بر درس و رفتار فرزندان شود و زمینه را برای افت تحصیلی فراهم کند. به عنوان نمونه مادری که دچار افسردگی عمده بود، نظارتی بر رفت و آمد فرزند خود نداشت و لذا دانش آموز به جای آن که به مدرسه برود به مکانهای دیگری رفت و آمد می کرد و همین امر زمینه را برای سوء استفاده های جنسی و جسمی آماده نموده بود. اختلافات خانوادگی موجب گریز فرزندان



عوامل مربوط به مدرسه

مدرسه مسی تواند در پیشرفت و افت تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی داشته باشد. اولین تجارب آموزشی و اجتماعی در محیط مدرسه یا کلاس درس، روابط با همسالان و مشکلات ناشی از نظام آموزشی، با افت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط هستند (سیلوا ۱۹۹۴).

اولین تجارب آموزشی و اجتماعی در محیط مدرسه و کلاس درس باید به گونه‌ای باشد تا دانش آموزان علاقه‌مند به درس و یادگیری و روابط اجتماعی سالم شوند. محیط مدرسه و کلاس باید حتی المقدور جذاب باشد. وسایل کمک آموزشی می‌تواند به جذابیت مدرسه و کلاس درس بیفزاید. روابط مدیر و معلمان و سایر کارکنان مدرسه با دانش آموزان باید تا حد امکان گرم و محبت آمیز باشد. فراموش

نکنیم که اولیای مدرسه بویژه مدیر و معلم بعد از والدین الگوهای دانش آموزان هستند. اگر اولیای مدرسه دانش آموزان را طرد کنند یا روابط منفی و تحقیر آمیز با آنان داشته باشند زمینه را برای افت تحصیلی آنان فراهم می‌کنند. به گفته شاعر:

درس معلم اربود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
روابط دانش آموزان با یکدیگر باید سالم و موجب رشد اجتماعی آنان باشد. رقابت‌های ناسالم و تبعیض میان دانش آموزان می‌تواند با افت تحصیلی آنان ارتباط داشته باشد.

مشکلات مربوط به نظام آموزشی در زمینه محتوای آموزشی، روشهای تدریس، جو خشک آموزشی و نسبت شاگرد و معلم می‌تواند با افت تحصیلی دانش آموزان ارتباط داشته باشند. نظام آموزشی نیازمند ارزیابی مستمر است تا شیوه‌های کارآمد شناسایی و روشهای زیانبار برای تدریس، اصلاح یا حذف

به نظر می‌رسد که افت تحصیلی با تحصیلات والدین رابطه معکوس دارد و رابطه آن با مشکلات اقتصادی و معضل مسکن مستقیم است. یعنی هرچه مشکلات اقتصادی و مشکلات مربوط به مسکن بیشتر باشد، احتمال افت تحصیلی نیز بیشتر است. با وجود این افت تحصیلی هم در خانواده‌های مرفه دیده می‌شود و هم در طبقات محروم جامعه که به احتمال زیاد دو پدیده متفاوت است، با سبب‌شناسی متفاوت.

ارزشهای اجتماعی نیز می‌توانند با افت

شوند. با وجود این، ابتکار مدیر و معلم همواره توانسته است مقدار زیادی از مشکلات ناشی از نظام آموزشی را جبران نماید. تکلیف درسی در مقاطع گوناگون تحصیلی و تأثیرات آن بر افت یا پیشرفت تحصیلی باید مورد بررسی و در صورت لزوم تجدید نظر قرار گیرد. جو آموزشی باید مبتنی بر پذیرش و احترام متقابل باشد. شمار دانش‌آموزان در کلاسها باید به میزان قابل قبولی کاهش یابد تا معلم امکان کار مفید و شناخت مؤثر دانش‌آموزان خود را داشته باشد. نظام آموزشی باید در صورت لزوم بر اساس پژوهشهای دقیق و کنترل شده روان‌شناختی و تربیتی مورد تجدید نظر قرار گیرد. سقراط گفته است: "حیات ارزیابی نشده ارزش زیستن ندارد."

عوامل خطر افت تحصیلی که مربوط به مدرسه هستند عبارتند از: تجارب اولیه ناخوشایند در کلاس یا مدرسه، فقدان جذابیت در محیط آموزشی و شیوه‌های تدریس، روابط معیوب مدیر و معلمان و سایر اولیای مدرسه با دانش‌آموزان، روابط معیوب با گروه همسال در کلاس یا مدرسه و مشکلات مربوط به نظام آموزشی مانند تأکید بیش از حد روی انجام تکالیف یا محفوظات و بی‌توجهی به رشد تفکر خلاق در دانش‌آموزان.

عوامل مربوط به اجتماع

مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مشکل مسکن، نحوه عملکرد وسایل ارتباط جمعی و شیوه‌های گذران اوقات فراغت می‌توانند با افت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط داشته باشند.



درماندگی آموخته شده

درماندگی آموخته شده مبتنی بر این اصل است که موفقیت موجب موفقیت بیشتر و شکست موجب شکست‌های بعدی می‌شود. در این الگو دانش آموز به خاطر شکست‌های پی‌درپی بتدریج به ناتوانی خود معتقد می‌شود و باور می‌کند که دیگر نمی‌تواند موفقیتی کسب کند. این نظر به توسط "مارتین سلیگمن" و همکاران او ارائه شده است و از مفاهیم نسبتاً جدید در روان‌شناسی یادگیری است (سیف، ۱۳۶۹ - پورافکاری، ۱۳۷۰).

با توجه به نظریه فوق همان‌گونه که دانش آموز شکست را تجربه می‌کند می‌تواند بتدریج طعم شیرین پیروزی را نیز بچشد و مسیر زندگی خود را از شکست به سوی پیروزی تغییر دهد.

شرطی شدن پاسخی

هنگامی که درس و مدرسه با تجارب ناخوشایندی همراه باشد، دانش آموز به صورت پاسخی نسبت به درس و مدرسه شرطی شده، احتمال افت تحصیلی افزایش می‌یابد.

اگر از دانش آموزانی که دچار افت تحصیلی هستند سؤال شود که با شروع سال تحصیلی و آغاز پانیز، و با شنیدن صدای زنگ مدارس چه احساسی در آنها ایجاد می‌شود؟ به احتمال زیاد می‌گویند: "غمی تمام وجودمان را فرا می‌گیرد و دچار اندوه و سردرگمی می‌شویم. در حالی که دانش آموزان موفق معمولاً می‌گویند: "احساس

تحصیلی ارتباط داشته باشند. تا زمانی که تعلیم و تعلم جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا نکند و در عمل به علم و علم‌آموزی بهایی که لازمه آن است داده نشود، افت تحصیلی همچنان به عنوان یک معضل روانی-اجتماعی باقی خواهد ماند و یا در حال افزایش خواهد بود.

شیوع انواع انحراف‌های اجتماعی و سرگرمی‌های ناسالم، افزایش بزهکاری، اعتیاد و انواع رفتارهای ضداجتماعی بدون تردید با افت تحصیلی همراه است. بنابراین افت تحصیلی باید به مثابه یک زنگ خطر روانی-اجتماعی تلقی شود و هشدارهای لازم در این زمینه به خانواده‌ها، مدارس و سایر نهادها و سازمانهای اجتماعی داده شود.

عوامل خطر افت تحصیلی مربوط به اجتماع عبارتند از: مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مشکل مسکن، بی‌توجهی به ارزش علم و عالم، بی‌توجهی به اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و شیوع انواع انحرافهای اجتماعی.

نظریه‌ها و الگوهای روان‌شناختی

نظریه‌ها و الگوهای گوناگون روان‌شناختی که می‌توانند افت تحصیلی را تبیین کرده، تداوم یا توقف افت تحصیلی را توضیح دهند، لازم است مشخص شوند و مورد آزمایش قرار گیرند تا برای پیشگیری یا درمان افت تحصیلی بتوان از مؤثرترین الگوها و راهبردها استفاده کرد. در زیر به طور اختصار به برخی نظریه‌های یادگیری و دیدگاه‌های دیگر اشاره می‌شود.

صوبی در ما ایجاد می شود و خوشحال می شویم."

رویکرد حل مسأله

در پایان بحث، افت تحصیلی به منزله یک مشکل تلقی می شود و مراحل زیر به منظور حل مشکل پیشنهاد می گردد.

۱- افت تحصیلی در مورد هر دانش آموز بطور جداگانه تعریف شود و مشخص گردد که از چه زمانی شروع شده و چه سیری را در طول زمان پیموده است.

۲- اطلاعات لازم در جهت تبیین دقیق مشکل جمع آوری شود.

۳- براساس مشاهدات انجام شده و اطلاعات جمع آوری شده فرضیه هایی به ترتیب اولویت تنظیم شود.

۴- فرضیه های فوق به ترتیب اولویت آزمایش شوند.

۵- براساس نتایج به دست آمده، ارزیابی مستمر در زمینه پیامد آن به عمل آید.

پاورقی:

۱- نقل قول از استاد گرامی جناب آقای دکتر علی شریعتمداری

منابع:

- ۱- اتکینسون و هیلگارد، ترجمه براهنی و دیگران (۱۳۶۸)، زمینه روان شناسی، تهران، انتشارات رشد
- ۲- پورافکاری، نصرت الله (۱۳۷۰)، استرس ویرانگری به نام یأس، دارو و درمان، سال هشتم، شماره ۹۶، ۵۶-۵۳
- ۳- سیف، علی اکبر (۱۳۶۹)، درماندگی آموخته شده، پژوهش در مسائل روانی- اجتماعی، سال سوم، شماره ۴، ۵، ۲۶-۱۸.
- ۴- کلاتری، مهرداد (۱۳۷۳)، روان شناسی روابط خوب، انتشارات کنکاش، اصفهان

شرطی شدن عامل

شرطی شدن عامل مبتنی بر این اصل است که دانش آموزان متعاقب پیشرفت درسی هیچ توجه و امتیازی را دریافت نمی کنند. بنابراین پیشرفت تحصیلی تقویتی را در دانش آموزان به وجود نمی آورد، یا این که حتی ممکن است با درس نخواندن امتیاز بیشتری را دریافت کنند. دانش آموزی گزارش داده است که لذت بخش ترین ساعاتش در مدرسه هنگامی بوده است که معلم او را از کلاس اخراج می کرده است. دانش آموزان گاهی درس خواندن را به صورت ضد ارزش در آورده، دانش آموز سخت کوش را با عنوان های توهین آمیز مسخره می کنند. در اینجا اگر نقش گروه همسال بیشتر از نقش والدین باشد، احتمال آن وجود دارد که دانش آموز تحت تأثیر ارزشهای منفی گروه همسال قرار گیرد.

پایین آمدن عزت نفس

پایین آمدن عزت نفس زیربنای افت تحصیلی است. پیامهای والدین در مغز کودک، خودپنداری او را تحت تأثیر قرار می دهد. در مورد افت تحصیلی احتمال بیشتری وجود دارد که دانش آموز از مادر و پدر خود پیامهای منفی و مبتنی بر توهین و حقارت دریافت کرده باشد که بتدریج در مغز او ضبط شده، سرنوشت او را رقم زند. به عنوان مثال به نظریه "اریک برن" در این زمینه مراجعه شود (کلاتری، ۱۳۷۳).